

آینه های روبه رو

«جورج کلونی» مرد تنها در میان جمع

استفان گلاوی

فاطمه عسگری آر آد

یکهالیوود ریپورتز: در ستاره سینمایی دو چهره دارد؛ یکی چهرای که همه ما آن را در رسانه‌های بینیم و غالباً تصویری کنیم که آنها مدام مشغول خوشگذرانی هستند و چهره شخص دیگری که درون آنهاست. این چهره، کمتر در رسانه‌ها تاب‌زای داده می‌شود و خود آنها هم کمتر به آن اشاره می‌کنند. در این مصاحبه کلونی به زوایای پنهان زندگی‌اش و میزان دستمزدش اشاره می‌کند.

ستاره سینما «جورج کلونی» برای بازی در فیلم نوادگان ۲۰۰ هزار دلار برای نقش پدر لندوهگین دریافت کرده است در حالی که «لکساندر پین» برای این فیلم ۲۰ میلیون دلار هزینه کرده است. (کسی که پیش از این حضور کلونی را در فیلم «راه‌های فرعی» رد کرده بود) او ۱۰ میلیون دلار برای «توفان بی‌عیب و نقص» در سال ۲۰۰۰ دریافت کرده است. همچنین کلونی روزهایی که در لاج پوئلسازان‌ش به سر می‌برد مثلاً در سال ۲۰۰۵، برای کارگردانی «شب بخیر و موفق باشید» ۱۲۰ میلیون دلار به دست آورد.

کلونی که به تنهایی برای دو اسکار امسال کاندیدا شده است (بهترین بازیگر در فیلم نوادگان و برای بهترین فیلمنامه اقتباسی نیمه ماه مارس) از راه درازی که طی این سال‌ها طی کرده است، گفت: «یک نقطه چرخشی در زندگی وجود دارد؛ زمانی‌که یک شغلی می‌یابی فقط خوشحالی که سر کار می‌روی، مهم نیست این چه کاری است ولی هنگامی که زمان می‌گذرد یا پیشرفت می‌کنی یاد در همان نقطه‌ای که بودی می‌مانی.»

او گفت که هر شب حدود ساعت ۱۰ به رختخواب می‌رود گرچه او در طول شب چندین بار از خواب برمی‌خیزد و به نور تلویزیون خاموش خیره می‌شود تا دوباره خوابش ببرد. زمانی‌که در مأموریتی در سودان به سر می‌برد، پس‌ری‌ها با افتخار آنها را تهدید کرد. «همه چیز در مورد این سفر دشوار بود، هیچ وقت احساس امنیت نمی‌کردیم اسلحه یا محافظه نمی‌داشتیم.» او زمانی‌که با پدش سرحد را ترک کرد در حالی‌که در ناچاجا‌بادی گیر کرده بودند یک پرسپچره ۱۳ ساله که کلاشینکوف حمل می‌کرد تهدیدشان کرد. «ما بسیار احساس خطر کردیم زیرا در این سرزمین جنایت‌های زیادی رخ می‌دهد. در همین لحظه یکی از همکاران‌مان جولو رفت و لوته تنگف را به طرف دیگری متمایل کرد و به سر کرد گفت: «این وسیله بسیار خطرناک است.» باورم نمی‌شد که به همین راحتی ماجرا پایان یابد و من از اینکه بسیار ترسیده بودم شرمنده‌شدم.»

زمانی‌که دیدگاه مخالفش را با جنگ عراق بیان کرد فاکس‌نیوز او را خلیتکار نامید. او درباره شرایط آن روزها می‌گوید: «به پدرم تلفن کردم و گفتم که توی دردرس افتادم. پدرم به من گفت: بزرگ شو! تو پول داری، شغل داری، نمی‌توانی آزادی بیان را نفی کنی! آنها می‌توانند هر حرفی بزنند. الان که فکر می‌کنم می‌بینم حق با اوست.» او از رابطه‌اش با برد پیت گفت: «من و برد دوستان خوبی هستیم اما آن طور که همه فکر می‌کنند هر روز همدیگر را نمی‌بینیم. چند سال پیش برد پیت واقعا من را می‌خکوب کرد. او یکی از همان شوهاس معمولی‌اش را بازی می‌کرد. خبرنگاران او پرسیدند که چه زمانی با آنجلینا ازدواج می‌کنی و او جواب داد: «زمانی‌که جورج کلونی به‌طور قانونی ازدواج کند.» او می‌خندد. «این شوخی تأثیر زیادی داشت. من سال‌های گذشته باید با این تفکر زندگی می‌کردم.» او یکبار طلاق گرفته‌است و الان می‌گوید دیگر به ازدواج فکر نمی‌کند. «هرکسی که بگوید احساس تنهایی نمی‌کند مطمئناً دروغ می‌گوید. بیشترین زمانی که احساس تنهایی می‌کنیم زمانی است که در اماکن عمومی هستیم.»

دور ایران

رونمایی از طرح‌های درم‌بخش درباره موسیقی

■ جدیدترین آثار کلمبیز درم‌بخش با عنوان «نگاه شامعانی» در گالری «سحون» رونمایی شد. درم‌بخش در یادداشتی سر این مجموعه نوشته است: «نگاه شدامعی مجموعه‌ای درباره موسیقی، هنرمندان این رشته و ابزارآلات موسیقی است که در واقع ادامه همان طرح‌های طنزآمیز موسیقی است که سه سال پیش در کتاب «سمفونی خلوط» نشر آقق و فصلنامه «مقام موسیقایی منتشر شد.» این نمایشگاه تا ۱۰ اسفند ادامه دارد. علاقه‌مندان می‌توانند همزه‌روزه ساعت ۱۰ صبح تا ۱۸ بعداز ظهر از این آثار دیدن کنند.

آغاز جشن «تصویر سال»

■ جشنواره فیلم تصویر با نمایش آثار ۲۰۷ فیلمساز ازجمله رخشان بنی‌اشمت، بهمن کیارستمی، محسن امیریوسفی و پیروز کلاتری از اول تا ۲۳ اسفند جاری در خله هنرمندان ایران برگزار می‌شود. این جشنواره فیلم تصویر از امروز ساعت ۱۷ با نمایش فیلم «کهریزک؛ چه چار کهنه» ساخته رخشان بنی‌اعتماد (پیزود اول) اتاق (۲۲۲) محسن امیر یوسفی (پیزود دوم؛ هملت در کهریزک، پیروز کلاتری) (پیزود سوم؛ حکمت شادان) و بهمن کیارستمی (پیزود چهارم؛ عید) آغاز خواهد شد که با نمایش سه فیلم کوتاه «شهر آرام» ساخته محمد شیروانی، «هی‌بی تولدت مبارک» ساخته سیدحامد نوری و انیمیشن «کرماندو» ساخته حامد اگرمی در تالار استاد جلیل شهنشاه خانه هنرمندان ایران همراه است. پس از نمایش فیلم‌های افتتاحیه، نشست نقد و بررسی فیلم «کهریزک» چهار نگاه» نیز با حضور رخشان بنی‌اعتماد، پیروز کلاتری، محسن امیریوسفی و بهمن کیارستمی برگزار می‌شود.

ایرج صهبایی آهنگساز و رهبر ارکستر، در تهران زاده شده است. در ۱۰ سالگی به هنرستان عالی موسیقی رفت و در آنجا از استادانی چون ثمنیانفجهان (۱۳۰۴-۱۳۸۶)، حسین ناصحی (۱۳۰۴-۱۳۵۶)، شیفته صدقی و مصطفی کمال پورتراب بهره جست. پس از به پایان رساندن هنرستان عالی موسیقی، با رتبه یک و به دست آوردن بورس، به کشور فرانسه رفت و در کنسرواتوارهای پاریس و استراسبورگ ادامه تحصیل داد.

صهبایی پس از اقامت در شهر استراسبورگ فرانسه ارکستر مجلسی شیلیتگیهایم را بنیاد نهاد و مدت ۱۱ سال برنامه‌های گوناگونی از آثار موسیقی مجلسی تا سمفونیک سده‌های هجدهم، نوزدهم و بیستم را با این ارکستر اجرا کرد. وی چندین سال سرپرست کنسرواتوار شیلیتگیهایم استراسبورگ بود و در دانشگاه استراسبورگ و شعبه آن در شهر سلسنا، موسیقی‌شناسی تدریس کرد. ایرج صهبایی ارکسترهای گوناگونی مانند ارکستر مجلسی رادیو و تلویزیون ملی ایران، ارکستر دانشگاه استراسبورگ، ارکستر جوانان شربروک کانادا، ارکستر فیلارمونیک‌استراسبورگ، ارکستر هارمونی پاریس، گروه سازهای کوبه‌ای استراسبورگ و ارکستر رویال فیلارمونیک لندن را رهبری کرده است. او همچنین هشت سال به عنوان رهبر میهمان ارکستر سمفونیک تهران، کنسرت‌های گوناگونی با این ارکستر اجرا کرده و از سال ۱۳۸۱ نیز به مدت یک سال رهبر ثابت ارکستر سمفونیک تهران بوده است.

آثار صهبایی در کشورهای گوناگون، مانند آلمان، فرانسه، انگلستان، کانادا، لهستان و ایران اجراشده‌می‌شود. وی همچنین عضو انجمن بین‌المللی آهنگسازان است. برخی از آثار ضبط‌شده صهبایی از فرستنده‌های رادیویی فرهنگی فرانسه، مانند «فرانس موزیک» و «فرانس کولتور»، پخش می‌شود. کتاب ۱۴ آوای بومی برای پیاو (انتشارات جنگ، ۱۳۸۱) و لوح‌های فشرده ایرج صهبایی و ایگر استراونسکی (انتشارات ماهور، ۱۳۸۲) و ۲۶ آهنگ محلی و چهار قطعه برای پیاو (انتشارات ماهور، ۱۳۹۰) برخی از آثاری است که از صهبایی در ایران منتشر شده‌اند. قطعه عصیان (برای هارپ و ارکستر زهی و سازهای کوبه‌ای)، اثر حسین علیزاده- که در آلبوم آوای مهر (انتشارات ماهور، ۱۳۷۰) منتشر شد- توسط ارکستر فیلارمونیک استراسبورگ و به رهبری ایرج صهبایی اجرا و ضبط شده است. با آمدن ایرج صهبایی به ایران، برای رهبری ارکستر پاریس در کنسرتی که چهارم و پنجم اسفند در تالار وحدت به مناسبت دهمین سال بنیانگذاری این ارکستر برگزار می‌شود، بر آن شدم تا با وی، پس از سال‌ها گفت‌وگویی انجام دهم.

■ ■ ■

۴ شما فراگیری موسیقی را در هنرستان عالی موسیقی آغاز کردید و پس از آن به فرانسه رفتید و در کنسرواتوارهای پاریس و استراسبورگ به تحصیل ادامه دادید. انگیزه‌ها و فضای آموزشی در فرانسه چه اندازه با آنچه در ایران تجربه کرده بودید، تفاوت داشت؟

از دو جهت می‌توان نگاه کرد؛ یکی، برخورد با اجتماع دیگری به نام فرانسه بود که با اجتماع و فضای ایران بسیار فرق داشت. جوی بسیار پرشتاب که ما را به شناختن و یادگیری هر چه بیشتر وامی‌داشت و دیگری، فضای خود کنسرواتوار. کنسرواتوار پاریس سطح بسیار بالایی دارد و باید با گذر از آزمون وارد آن شد. از آنجا که سیستم آموزشی هنرستان عالی موسیقی با سیستم آموزشی کنسرواتوار پاریس بسیار فرق داشت، گذر از این آزمون و ورود به آن دشوار بود. این دو تفاوت- اجتماعی و آموزشی- خیلی مشکل‌آلود بود، ولی خودم را برای رویارویی با هر چالشی آماده کرده بودم؛ یعنی برای رویبرو شدن با تغییرات آماجگی روحی داشتم. زمانی که به فرانسه رسیدم تنها برای پنج تا ۱۰ دقیقه پیش‌نمایش بود، ولی پس از آن همه چیز فراموش شد و به سوی آینده‌ای که باید می‌ساختم، پیش رفتم.

۴ هنر جوانان در ایران با چه انگیزه‌ای به هنرستان موسیقی می‌آمدند و جامعه چه دورنمایی برای آنها به تصویر می‌کشید؟ تفاوت این انگیزه‌ها و دورنماها با آنچه در فرانسه دیدید، چه بود؟

به این پرسش تنها از جانب خودم می‌توانم پاسخ دهم. در آن زمان خانواده‌ها مانند امروز پشت فرزندان خود نبودند. من خود کاملاً اتفاقی وارد هنرستان شدم. یکی از خوشاوندان ما به کلاس‌های شبانه هنرستان می‌رفت. یک روز من را با خود به هنرستان برد تا ببیند آیا برای فراگیری موسیقی مستعد هستم یا نه. آقای ریخوند فرانزه، آموزگار سلفژ، با پیانو نواختند و من هم تنهاای نواخته‌شده را خواندم و من را به سمفونی ستنی برای روز آزمون ورودی کسی نبود که من را به هنرستان ببرد! اما من می‌خواهم بگویم که من هیچ دید درستی از موسیقی و آینده آن نداشتم. پس از آنکه به هنرستان وارد شدم و از موسیقی کمی شناخت پیدا کردم، ارکستر سمفونیک تهران را در پیش چشم داشتم و هدفم آن بود که پس از هنرستان باید به عضویت ارکستر سمفونیک تهران درآم- که البته بعدها به عنوان نوازنده ترومپن به مدت یک سال، در زمان آقای شحمت سنجری، به عضویت آن درآمدم. پس از آن بود که با بورس به کشور فرانسه رفتم. در فرانسه سیستم به خوبی مشخص است. مثلاً برای ورود به کلاس آهنگسازی باید چندین آزمون رایت‌شتر بگذرانید. پس از به پایان رساندن این کلاس هم با باید به کارهای آموزشی، بپردازید یا به سراغ مدیریت کنسرواتورها بروید. در واقع، آهنگسازی که بتواند در جوانی آهنگسازی را پیشه خود کند، تقریباً یافت نمی‌شود. البته به جز استثنائا، با گذر زمان و آرایه کارهای شاخص و خوب می‌توان به جایگاه آهنگسازی رسید. یا مثلاً اگر هنرجو استعداد و پشتکار بالایی داشته باشد و در آزمون نوازندگی پذیرفته شود، به عنوان سلیست پیش می‌رود، و گرنه وارد کلاس آموزش می‌شود.

۴ شما از نزدیکی با ارکستر سمفونیک تهران سروکار داشته‌اید و مشکلات آن را به خوبی می‌شناسید. سطح کیفی و مشکلات این ارکستر در گذشته چه بوده است؟ البته در سنجشش با یک ارکستر سمفونیک استاندارد در سطح کشورهایی است که پیشینه فرهنگی موسیقی کلاسیک غربی ندارند.

تا آن زمان که من در ایران بودم، ارکستر سمفونیک تهران، از دید ما دانشجویان، کمبودهای بسیاری داشت. از لحاظ وضعیت مالی نمی‌دانم، ولی از لحاظ سطح کیفی چندان پیش‌رفته نبود

ایرج صهبایی، در آستانه اجرای ارکستر پاریسان در تهران:

بیاییم ارکستری در سطح آسیا داشته باشیم

رامین درگاهی

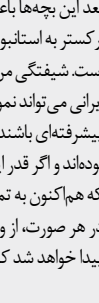


عکس: مهرداد تسبی، شرق

ارکستر یا «دیسپلین»

حدود یک‌سال و نیم پیش مسوولان ارکستر پاریسان به من گفتند که می‌خواهند برای ایل‌بردن سطح کیفیت گروه‌شان به استانبول بیایند تا من با آنها حدود دو هفته کار کنم. تقاضای آنها را بدون شرط و بدون انتظار زیاد، صرفاً چون ایرانی بودند، قبول کردم. این نوازندگان جوان ایرانی، به خرج خودشان، با هواپیمای به استانبول آمدند و حدود دو هفته در هتل مستقر شدند. از همان روز اول که ما شروع به کار کردیم من شیفته این جوانان ایرانی شدم. من خودم با وجود اینکه روزی چهار ساعت با ارکستر سمفونیک استانبول تمرین داشتم و قرار بود کنسرتی هم برگزار کنیم هیچ وقت از کار کردن با آنها خسته نشدم. از آن روز به بعد این بچه‌ها باعث افتخار من ایرانی شده‌اند. بعد از این دو هفته به هر جایی که برای رهبری ارکستر رفته‌ام و داستان آمدن این ارکستر به استانبول را مطرح کردم مردم شگفت‌زده شده‌اند و اغلب می‌گویند اقدام این ارکستر در تاریخ موسیقی جهان بی‌نظیر است. شیفتگی من فقط به دلیل نتیجه بسیار عالی این دو هفته نبود، بلکه «فصباط»، «دیسپلین» و «پشتکار» این افراد برای هر ایرانی می‌تواند نمونه باشد. اینها باعث افتخار من، حتی در ترکیه شده‌اند. این گونه گروه‌ها می‌توانند بهترین سفیر برای هر مملکت پیشرفته‌ای باشند. این گروه ایرانی ثابت می‌کند که معاونان هنری و اعضای شوراهای بقیه مسوولان در ۶۰ سال گذشته در اشتباه بوده‌اند و اگر قدر این جوانان ایرانی را بدانند می‌توانند برای مملکت‌شان افتخار بیآورند. مانند ارکستر سیمون بولیوار کشور ونزوئلا که هم‌اکنون به تمام جهان سفر می‌کند. هر رهبری در شغلی، چه فرهنگی و چه سیاسی، آرزوی داشتن چنین جوانانی را دارد. در هر صورت، از وقت آشنایی با این جوانان در استنبول، امید من به هنرمندان ایرانی بیشتر شده است و آن‌شاهانه روزی وزیری پیدا خواهد شد که قدر این سرمایه‌های فرهنگی ایرانی را بداند و از آنها برای آبروی مملکت حمایت کند.

علی رهبری موسیقیدان و رهبر ارکستر



با احترام، وین

و نمی‌توانست به عنوان یک ارکستر سمفونیک در سطح جهان مطرح شود. پس از رفتن من به اروپا تحولاتی در این ارکستر پدید آمد که درودارو از آنها آگاه بودم. مثلاً، ارکستر از بودجه کافی برخوردار شد، نزدیک به ۵۰درصد از نوازندگان آن را نوازندگان خارجی تشکیل دادند و سطح کیفی ایشان بالاتر رفت. تا آنجا که من می‌دانم، عموماً ۱۵ تا ۱۰ درصد از نوازندگان یک ارکستر سمفونیک را نوازندگان خارجی تشکیل می‌دهند و مابقی باید از نوازندگان بومی همان کشور یا شهر یا منطقه باشند با این حال، سطح این ارکستر در اندازه لازم برای ایران و آغاز یک جهش خوب بود و باید ادامه پیدا می‌کرد. باید روی تربیت هنرجویان هنرستان سرمایه‌گذاری بیشتری می‌شد. این از آن موضوعاتی است که هنوز هم در ایران به آن توجه چندانی نمی‌شود.

۴ آیا ارکستر سمفونیک توان دستیابی به یک سطح استاندارد جهانی را دارد؟

چون در این سال‌ها اعضای ارکستر بسیار تغییر کرده‌اند، نمی‌توانم پاسخ درستی بدهم ولی رسیدن به یک سطح استاندارد جهانی نیازمند یک خواست فرهنگی-سیاسی است. یعنی سیاستمداران باید تصمیم بگیرند که فرهنگ ارکستر سمفونیک باشد یا نباشد. تا این خواست فرهنگی-سیاسی نباشد چیزی عوض نمی‌شود من فکر می‌کنم ما نباید به دنبال این باشیم که حتماً به یک استاندارد جهانی برسیم باید نخست زمینه را آماده کنیم. کنسرواتورها باید خوب کار کنند. ارکستری در سطح آسیا داشته باشیم و کارهایش را خوب انجام دهد. آثار آهنگسازان ایرانی را اجرا کنند. موسیقی کلاسیک را بشناسند. بعدها باید به دنبال این بود که آیا در سطح جهان هستیم یا نه. در حال حاضر زمینه را نداریم. فعلاً صحبت در این زمینه زود است. این بحث در رشته‌های دیگر موسیقی هم هست. مثلاً همیشه پرسیده می‌شود که آیا موسیقی سنتی ایران می‌تواند در سطح جهانی باشد یا نه؟ باید ببینیم سطح جهانی به چه معناست. آیا مثلاً انتظار داریم روزی موسیقی سنتی ما مانند موسیقی بتهوون در همه جا باشد و نواخته شود؟ این به نظر من، انتظار بیهوده‌ای است ولی اگر منظور از سطح جهانی این باشد که جهانیان، از طریق نوازندگان ایرانی، موسیقی سنتی ما را بشناسند، بله می‌تواند.

۴ البته منظور من از «در سطح جهانی بودن» یا «به سطح جهانی رسیدن»، بیشتر داشتن نوعی «میان‌کنش فرهنگی» (Cultural Interaction) با جهان است. به هر حال، ارکستر سمفونیک تهران بیش از ۸۰ سال قدمت دارد. ولی در این ۸۰ سال نتوانسته به استانداردی دست یابد که بتواند با جهان به یک میان‌کنش و ارتباط متقابل برسد. برخی گره کار را در نبود پیشینه فرهنگی موسیقی کلاسیک در ایران می‌دانند. می‌بینیم کنسورهای می‌مانند زاپن، چین و ترکیه نیز، درست مانند ایران، این پیشینه فرهنگی را نداشته‌اند، ولی

محسوب بین مردم آرام تالابیان *

چندگاهی افتخار همکاری با ارکستر پاریسان را داشتم.ام، به نظر من، ارکستر پاریسان، بهترین گروه حرفه‌ای موسیقی کلاسیک در ایران است. تگرش بسیار پراحساس به «هنر اجرای موسیقی» و سطح بالایی از «حساسیت تعهد»، اجرای این گروه را برجسته کرده است. بارها از نزدیک شاهد خرسندی مردم از اجرای آنها بودم. ارکستر پاریسان به راستی در میان مردم «محبوبیت» دارد! بسیار مهم است که نوازندگان ارکستر پاریسان رسالت آرایه موسیقی را بافرستی دریابند و آن را به پیش برند و همواره با تعهد، سربلندی و افتخار فراوان بنوازند. دهمین سالگرد پیدایش ارکستر پاریسان را به همه دوستان نازنین‌ام در آن ارکستر شادباش می‌گویم و برای آنها آرزوی شادکامی دارم. به امید سالگردهای آتی. همچنان به کار فوق‌العاده خود ادامه دهید و قوی و استوار باشید! دوستدار همیشه‌ شما

«استاد ویلنسل در کنسرواتوار دولتی ارمنستان، مدیر هنری و رهبر ارکستر نازکاتسی (Narekatsi)، دانش‌آموخته فوق لیسانس موسیقی در دانشگاه ییل (Yale University).

هفت هنر

پایان جشنواره ۶۲ ساله برلین

جایزه «تپک» برای «پذیرایی ساده»



■ **علی افتخاری**، جشنواره برلین امسال خرس‌طلایی خود را به برادران تلویانی داد که این بار مستندی از زندگی زندانیان در ایتالیا را تبدیل به درام کرده بودند. کاخ جشنواره ۶۲ ساله برلین در شب اختتامیه میزبان مجموعه‌ای از برگزیدگان خود از سراسر دنیا بود. «سزار باید بمیرد» تازه‌ترین ساخته پائولو و ویتوریو تلویانی همراه ۵۰ ساله عرصه کارگردانی شد. این فیلم درباره زندانیان یک زندان در ایتالیاست که تراژدی «جولیوس سزار» اثر ویلیام شکسپیر را به صحنه می‌برند، نمایشی که در آن قاچاقچیان مواد مخدر، یک عضو مافیا و یک قاتل در نقش‌های سزار، بروتوس، کاسیوس و دیگر شخصیت‌ها ظاهر می‌شوند. «سزار باید بمیرد» در زندان ریببیا در حومه شهر رم فیلمبرداری شده‌است.

رییس هیات داوران «مایک لی» سال‌هاست بر این مستند قرار دارد. همچنین امسال «صفر فرهادی» برنده خرس طلای سال قبل به عنوان یکی از داوران جایزه بزرگ هیات داوران را به سنس فلیگوف اهدا کرد. «فقط باد» تولید مشترک مجارستان، آلمان و فرانسه است که داستانی واقعی درباره مبارزه سخت علیه رم در مجارستان را به تصویر می‌کشد. درام تاریخی «یک رابطه شاهانه» ساخته نیکلای آرسل تولید مشترک دانمارک، جمهوری چک، آلمان و سوئد تنها فیلم برلیناله امسال بود که بیش از یک جایزه دریافت کرد. میکل یوفولسگارد برای بازی در نقش کریستیان هشتم پادشاه تا حدی مخزون دانمارک برنده جایزه خرس‌نقره‌ای بهترین بازیگر مرد شد. نیکلای آرسل و راسموس هاستریبرگ فیلمنامه‌نویسان «یک رابطه شاهانه» جایزه خرس‌نقره‌ای بهترین فیلمنامه را به‌خانه بردند. این فیلم داستانی واقعی درباره یک پزشک در قرن هجدهم است که از ارتباط خود با خاندان سلطنتی دانمارک برای تغییر چهره‌انداز سیاسی استفاده می‌کند. کریستیان پتسولد کارگردان آلمانی برای «دربار» جایزه خرس‌نقره‌ای بهترین کارگردان را گرفت. «دربار» یکی از سه فیلم آلمانی بخش مسابقه اصلی جشنواره برلین ۲۰۱۲ بود و از آن به عنوان بخت اصلی جایزه خرس‌طلایی یاد می‌شد.



داستان این فیلم سال ۱۹۸۰ در آلمان شرقی کمونیستی روی می‌دهد و درباره یک پزشک زن جوان است که وقتی درخواست می‌کند به آلمان غربی منتقل شود، به عنوان مجازات به ایالات شرقی تبعید می‌شود. جایزه خرس‌نقره‌ای بهترین بازیگر زن به ریچل موناز برای بازی در فیلم کانادایی «جانوگر جنگ» به کارگردانی میکی نگون رسید. او در این فیلم نقش یک کودک سرباز را بازی می‌کند. لوتس رایتمایر برای فیلمبرداری «دشت گوزن سفید» ساخته وانگ کوانان از چین برنده جایزه خرس‌نقره‌ای بهترین دستاورد هنری چشمگیر شد. جایزه آلفرد پاتر هم به «تاپو» به کارگردانی میگال گومز از پرتغال، آلمان، برزیل و فرانسه رسید. این جایزه به اثری با ناواری خاص اعطا می‌شود و نام آن از موسس برلیناله گرفته شده است. «خواهر» به کارگردانی اورسولا مایر کارگردان سوئیس تولید سوئیس و فرانسه جایزه ویژه و دریافت کرد.

امسال در مجموع ۱۸ فیلم برای دریافت جایزه خرس‌طلایی راقبت کردند. «دور مکه» من فیلم افتتاحیه و همچنین یکی از فیلم‌های بخش مسابقه شصت و دومین دوره جشنواره فیلم برلین بود که ۹ تا ۱۹ فوریه ۲۰۱۲ (۳۰ تا ۳۰ بهمن) برگزار شد. آنتون کوربین کارگردان هلندی، شارلوت گزنبورگ بازیگر بریتانیایی، جیک جینلن بازیگر آمریکایی، فرانسوا اوزون کارگردان فرانسوی، بوعلام سنسال نویسنده الجزایری، باربارا سوکوکو بازیگر آلمانی و اصغر فرهادی کارگردان ایرانی- که با پارسال با «جدایی‌اندر از سه‌مین» خرس‌طلایی برلین را برد - همکاران می‌لی که در هیات داوران بخش مسابقه بین‌الملل بودند.

مریل استریپ بازیگر آمریکایی در این دوره جشنواره برلینس جایزه خرس‌طلایی افتخاری را دریافت کرد. «پذیرایی ساده» به کارگردانی مانی حقیقی در بخش جنبی «فورم» شصت و دومین دوره جشنواره فیلم برلین به نمایش درآمد و هیات داوران جایزه تپک (شبکه تبلیغ سینمای آسیا) جایزه این بخش را اهدا کرد. این جایزه با همکاری برگزار کنندگان جشنواره برلین و منتقدان فیلم برای حمایت از سینمای آسیا در نظر گرفته شده و برای یک فیلم آسیایی به نمایش درآمد در بخش فورم اعطا می‌شود. امسال ۲۸ فیلم در بخش فورم روی پرده رفتند که در میان آنها ۲۶ فیلم برای اولین‌بار در دنیا به نمایش درآمدند.